

۱۸ - حقیقت الوهیت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۸ - حقیقت الوهیت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی نگنجد

حقیقت الوهیت بتمام معانی ادراکش در حوصله انسانی نگنجد. زیرا آنچه نتایج عقول و افکار است محدود است و حقیقت الوهیت نا محدود آنچه واضح و آشکار است آیات باهره اوست که عالم کون را متحرک نموده. اما حقیقت الوهیت مقدس و منزّه از ادراک جمیع کائنات است حقیقت حادثه چگونه ادراک حقیقت قدیمه نماید این ممتنع و مستحیل است. کائنات جمادیه و کائنات نباتیه از عالم انسان و حیوان بی خبرند ابداً تصور آنرا نتوانند. آیا ممکن است که جماد و نبات حقیقت سمع و بصر را ادراک نماید؟ استغفر الله و حال آنکه کلّ در حیز حدوث هستند. پس چگونه کائن حادث حقیقت قدیمه را ادراک نماید نهایت اینست که انسان ادراک آیات و آثار الهی کند... حقائق انبیاء علیهم السلام حقیقت شاخصه الوهیت نیست بلکه حقیقت الوهیت مانند آفتاب و حقائق انبیاء نظیر مرایا، شعاع و حرارت آفتاب در این مرایا ساطع و لائح ولی آفتاب در ذروه تقدیس خویش باقی و برقرار، نه تنزلی و نه حلولی و دخولی حقیقت الوهیت همیشه مقدس از تجسم بوده و هست پس بر آن جناب واضح و مبرهن شد و شبهات را مجال نماند.

و اما توجه، چون حقیقت الوهیت بفکر و فهم در نیاید تا توجه بآن نمائیم و هر حقیقتی که تصور آن نمائیم و توجه بآن کنیم محدود است و الوهیت نا محدود بلکه تصورات اوهام محض است لهذا بجهت خلاصی از اوهام فکریّه توجه به آئینه ای مینمائی که از فیوضات آفتاب روشن و منور است زیرا نظر در آفتاب چشم را خیره کند بلکه



ORIGINAL



AUDIO

بتصوّر نیاید. آیا ممکن است از برای انسان وصول بآفتاب، این واضح است که مستحیل و ممتنع است و لکن وصول به مرایا ممکن. انسان عاقل نمیکوشد تا بآفتاب برسد بلکه انوار فیوضات آفتاب را در مرایا مشاهده کند و بآن متصل شود.

و اما قضیۀ استقلالیت نفوس در استفاضه از شمس حقیقت، این واضح است که عموم بشر محتاج تربیت است با وجود احتیاج تربیت استقلالیت چگونه تصوّر میشود. آیا ممکن است فردی از افراد بشر جمیع کمالات عالم انسانی را بنفسه بدون مربّی تحصیل نماید؟ پس استقلالیت ممکن نه. بلی انسان با وجود تعلّم و استفاضه از دیگری خود نیز احساسات و ادراکاتی دارد، خود نیز میتواند که کشفی جدید نماید و لکن از مربّی و معلّم مستغنی نمیتواند بشود اینست حقیقت واقع. درست تعمق در این مسئله نما ملاحظه مینمائی که هیچ شبهه باقی نماند.

و اما عصمت، ممکن است که انسان در صون حمایت الهیّه باشد خدا او را از خطا حفظ فرماید مثلاً قمر بذاته نوری ندارد ولی اقتباس نور از آفتاب میکند عصمت عالم انسانی اینست طیب حاذق انسان را از هر مرضی محافظه میکند. باری الحمد لله بتعالیم الهیّه خدمت مینمائی و هر چه بیشتر خدمت کنی شبهات زائل و حقیقت ساطعه واضح و لائح گردد.

